

خانواده فتحانی به همراه اقوام خود آماده خدمت به زائران در دهه آخر صفر هستند

خوشامدگویی فAMILی به زائران

سید مصطفی بهشتی «الو، الان بهترین فرصت است، چشم به هم بزنی این چند روز می گذرد، بیایید خانه ما. باید همه برویم هر کاری که می توانیم انجام بدهیم.» این خلاصه ای است از مکالمه تلفنی زهرا خانم با قوم و خویش هایش در نیشابور که آن ها را به مشهد فرامی خواند تا همه برای خدمت به زائران در دهه پایانی صفر بسیج شوند. در این بین برخی مانند خواهرش و دختران او از این پیشنهاد استقبال می کنند و قول حضور می دهند و برخی کار را به سال های بعد موکول می کنند. خلاصه زهرا خانم و آقا مهدی عزم خود را امانند سال های قبل جزم کرده اند که بتوانند به عنوان همسایه امام رضا^(ع) شرایط خوبی را برای حضور زائران در شهر مشهد فراهم کنند. مهدی فتحانی و زهرا اسلامی زاده زوج ساکن محله فارغ التحصیلان از حدود ۱۱ سال قبل قدم در مسیر استقبال از زائران دهه آخر صفر گذاشته اند و توانسته اند فرزندان خود و برخی اقوام را هم در این مسیر همراه کنند. مهدی آقا برای زندگی در مشهد و خدمت به زائران توصیف خودش را دارد. اوزندگی در مشهد را یک نعمت می داند و خدمت به زائران را فرصتی می داند که نباید از دست داد.

منطقه ۱۱



اولین حضور برای استقبال از زائر

با خانواده فتحانی که تازه از سفر کر بلا بازگشته اند در یکی از ایستگاه های استقبال از زائر در ورودی غربی مشهد همراه می شویم. مهدی فتحانی پدر خانواده در حال گفت و گویا اعضای خانواده برای برنامه ریزی دهه آخر صفر است. بعد نوبت به گفت و گوی مامی رسید تا این مسیر یازده ساله را مرور کنیم. مهدی آقا متولد سال ۱۳۴۷ است و به گفته خودش فضای خانواده از همان دوران کودکی اش بسیار مذهبی بوده و این موضوع بر روحیات و انتخاب مسیر او در طول زندگی تأثیر گذار بوده است. خودش در این باره می گوید: «من شش باهفت سال داشتم که همیشه در مسجد و فضا های مذهبی حاضر می شدم و از همان موقع باراهنمایی های پدر که اهل مسجد و روضه بودند در این وادی راه یافتیم.»

خانواده فتحانی به محض ساکن شدن در منطقه ۱۱ که به حدود ۱۵ سال قبل برمی گردد، تلاش برای برپایی روضه ها و مراسم مذهبی را به همراه بقیه ساکنان شهرک ارمان آغاز کرده اند. مهدی آقامی گوید: «مادر آن زمان در این اطراف، نه مسجد داشتیم و نه هیچ فضایی برای برگزاری مراسم مذهبی. به همین دلیل از فضای کنار خیابان و پارکینگ ساختمان ها مراسم را شروع کردیم و تا کنون که مسجد افتتاح به بهره برداری رسیده این برنامه ها را پیش برده ایم.»

مهدی فتحانی در باره اولین حضور در ایستگاه های استقبال از زائر می گوید: «۱۱ سال قبل بود که به واسطه ارتباط با مسئولان فرهنگی شهرداری مشهد و فضایی که برای استقبال از زائران فراهم شده بود، تصمیم گرفتیم همراه خانواده برای خدمت در این فضا همراه شویم. این ایستگاه در سال های اخیر در چند نقطه از بولوار وکیل آباد برپا شده است و در تمام این مدت تلاش کرده ایم سهم کوچکی در برپایی آن و پیش رفتن کارها داشته باشیم.»

جان دادن به زائر پیاده

مهدی آقا که اکنون برای دوازدهمین سال حضور در ایستگاه استقبال از زائر بی قرار است در باره وظایفی که دارد می گوید: «من با توجه به حوزه کاری ای که داشته ام در این سال ها همیشه برای ماساژ در خدمت زائران پیاده ای بوده ام که از محدوده طر قبه و شان دیز عازم حرم مطهر می شوند. در این مدت برکت این خدمت را در زندگی ام درک کرده ام و به آن افتخار می کنم.»

این خدمتگزار زائران در ادامه خاطره ای می گوید: «چند سال قبل که در همین ایستگاه مشغول خدمت بودم با زائری روبه رو شدم که بسیار خسته بود و مسافت زیادی را پیاده طی کرده بود. بعد از چند دقیقه ای که او را ماساژ دادم و به او کمک کردم، جان دوباره ای گرفت و روبه من گفت: «زیارت امروز را که بروم مدیون شما هستم. من در این راه مانده بودم و قطعا

اگر یاری شمانمی بود بدین توان ادامه مسیر را نداشت. واقعا آن روز حس عجیبی داشتم و حالم تامت ها خوب بود.»

نقطه اشتراک زندگی زهرا خانم و مهدی آقا

مادر خانواده هم در این سال هادر همراه شدن فرزندان خانواده در مسیر استقبال از زائران دهه پایانی صفر نقش ویژه ای داشته است. زهرا اسلامی زاده که متولد سال ۱۳۴۹ است، پدرش را که روحانی بوده در شکل گرفتن عقاید مذهبی اش بسیار تأثیر گذار می داند و می گوید: «من از سن خیلی کم در نیشابور در برنامه های مذهبی حاضر می شدم و دوست داشتم اگر کاری از دستم برمی آید انجام دهم. پدر هم وقتی این ذوق و اشتیاق مرا می دیدند بسیار حمایت می کردند.» زهرا خانم در ادامه گفت و گویا بعضی که در گلودارد در باره استقبال از زائران می گوید: «ما خودمان که انتخاب نکرده ایم، معتمد لطف خدا و امام رضا^(ع) بوده که برای چنین کار و فضایی انتخاب شده ایم. حالا در این مسیر تا آنجا که بشود به لحاظ مالی و با تمام وجود در خدمت زائران هستیم.»

در زندگی این زوج دل داده اهل بیت^(ع) یک نقطه اشتراک جالب وجود دارد که به قبل از ازدواج آن ها برمی گردد و آن هم خدمت به مملکت در روز های جنگ تحمیلی است. مهدی فتحانی بین سال ۶۶ تا ۶۷ در میدان جنگ در جنوب و غرب کشور حاضر بوده و هم زمان زهرا اسلامی زاده در نیشابور در مسجد محله مشغول تهیه بسته های غذایی و پوشاک برای رزمندگان بوده است.

بسیج نیروها برای خدمت به زائران

فتحانی و اسلامی زاده اصالتا اهل نیشابور هستند. این زوج همان طور که خودشان در میدان خدمت به زائران حاضر هستند سعی دارند دیگران را هم در این رویداد شریک کنند. زهرا اسلامی زاده در این باره می گوید: «بعد از چند سالی که در ایستگاه استقبال از زائر حاضر بودیم متوجه شدیم هر چه برای این روزها نیاز و بیاید کم است. این تجربه ای شد برای سال های بعد. الان چند سالی است که نگاه می کنم ببینم هر کدام از اقوام و آشنایان که در نیشابور هستند چه توانایی ای دارند، آن ها را به مشهد و خانه خود دعوت می کنم تا در ایستگاه های استقبال از زائر مشغول خدمت شوند.» این بانوی خدمت رسان به زائران دهه پایانی صفر ادامه می دهد: «خواهرم پرستار است و در این ایام می تواند به کمک زائران به ویژه زائران پیاده بیاید. به او گفته ام این روزها به او نیاز است و پیشنهاد مرا پذیرفته است. دختران خواهرم را هم این سال های اخیر به مشهد دعوت می کنم تا از این فرصت خدمت عقب نمانند. افراد دیگر هم هستند که به آن ها می گویم اسکان و پذیرایی را در مشهد در خانه ما باشند و خدمت به زائران را هم انجام دهند و خوشبختانه

